



صنعت دست حضور هنرهای سنتی در تار و پود معماری داخلی ذات شاعرانه هنر

فرونش هدایتی امین

هنر یکی از نیازهای اساسی زندگی انسان است. متمایزترین شکل فعالیت اجتماعی که به طور قطع در پیدایی و تکامل شخصیت و بهبود و پالایش روان وی، سهم بسزایی داشته است. اشتیاق انسان به هنر، عمیق و ریشه دار است و از قبل تاریخ تا کنون نمایان و مشهود. انسان محصور در اندیشه بقا، معیشت، هراس‌ها، شکست‌ها و ... از زیبایی و گویایی هنر به وجد آمده و از طریق آن، اندیشه‌ها و عواطفی را که در ذهن داشته متجلی می‌سازد. او با افزودن خطوط و پیچ و خم‌های اضافی بر ابزار کار و زندگی خود، علاوه بر سودمندی، به زیبایی در جهت خط دست و چشم و روانش می‌اندیشد. هنر جلوه انسانیت انسان است. یک حقیقت متعالی و پاسخ گوی نیازها و گرایش‌های انسانی هم چون کمال جویی، معنویت طلبی، احراز و اعلام هویت، تبعیت، تقلید، تامین رفاه مادی و پر کردن اوقات فراغت است. آثار هنری جلوه گاه ذات شاعرانه و تفکر انسانی است، از این رو نفوذ تعالی بخش فوق العاده نیرومندی، بر انسان و جامعه اعمال می‌کند.

در تمدن‌های سنتی که دارای تجربیات عمیق مذهبی هستند تمامی افعال و اعمال معمول حیات بشری دارای ریشه سنتی است و قداست موجود در این تمدن‌ها هنر را حقیقی و اصیل و متجلی روحانیت و معنویت می‌سازد. ویژگی هنر سنتی، جنبه تمثیلی آن است. یک اثر هنری سنتی زیباست و نمودار جمال و زیبایی آن یک عنصر ذاتی است و تابع اصول و قوانین ازلی و ابدی است پس کهنه نمی‌شود. هنرهای سنتی ایران در سیر تاریخ هنر نهادینه شده و با استفاده از ویژگی قومی و اقلیمی به عنوان هنرهای مورد اقبال عموم ثبت شده‌اند. قالب اصلی هنرهای سنتی، تجلی نمادین جهان ابدی و ازلی است که این جهان را محلی گذرا و واسطه‌ای برای رسیدن به مرتبه‌ای والا تر به منظور وصول به آرامش می‌داند.

معماری با سایر هنرهای ایرانی، تارهای به هم تنیده یکپارچه‌ای است که از یکدیگر تاثیر پذیرفته‌اند. از آنجا که هنر معماری تجلی فرهنگ و تمدن هر ملت است، آثار جدید جامعه معماری باید با گذشتگان ارتباط منطقی داشته باشد. بنابراین معماران معاصر در تلاشند استعدادهای ادبی، هنری، سلیقه‌ها و نیازهای عصر جدید را با هنرهای بومی و سنتی در هم آمیخته و سبک نوینی را خلق کنند که در این راستا هویت و فرهنگ اصیل جامعه تداوم داشته باشد.

معماری داخلی

از بارزترین مشخصه‌های طراحی هر فضا، طراحی به تناسب عملکرد فضا است. معماری داخلی به عنوان طراحی هدفمند، فضاهای داخلی و ساماندهی آنها به منظور استفاده بهینه کاربران، از زمان‌های دور با آدمی همراه بوده است. معماران از دیر باز همراه و همگام با سایر هنرمندان به دنبال تولید فضاهای معماری متفاوت بودند، این در حالی است که توجه به فضاهای داخلی اهمیتی کمتر از کلیت بنا نداشته است. از جمله عناصر این سبک از معماری عبارتند از: توجه ویژه به آرایه‌بندی فضاهای داخلی، رنگ، میزان نور و استفاده از نقاشی و تندیس‌ها که در جهت افزایش غنای فضای داخلی حائز اهمیت خاصی هستند. نکته قابل توجه در تزئینات داخلی و خارجی بناهای ایرانی این است، که تزئینات جزئی از بنا بوده و هیچ‌گاه به صورت بزرگ و عنصری اضافی نبوده‌است. حتی در دوره‌های، سفت کاری و تزئینات، هم زمان اجرا می‌شد. این میزان توجه به آرایه و تزئینات سبب ارتقای کیفیت فضاهای مورد استفاده بوده است. معماری کویری ایران به ویژه در خانه‌ها، به علت ماهیت درونگرایی آن سرشار از نمونه‌های بدیع و زیبای طراحی داخلی است که در آن ایجاد فضایی در تضاد با محیط کویری و القای حس زندگی و سرسبزی درون بنا از مهمترین اهداف معماران سنتی در طراحی داخلی بوده است. استفاده از شیشه، آئینه، گچ کاری و هنرهای

ظریفه دیگر در تزئین و آرایه بندی فضا، تمام ملاحظات زیبایی شناسی، اقلیمی و حتی شرعی را نیز شامل می‌شده است.

تزئینات داخلی یک بنا نسبت به نوع آن تفاوت‌های گوناگونی دارد و این تفاوت در دوره‌های گوناگون، تنوع بیشتری به خود می‌گیرد ولی در همه آنها وجوه مشترکی نیز وجود دارد و از آن جمله، ایجاد فضایی است که انسان‌های استفاده کننده از آن بنا، آمالشان در آن تحقق می‌یابد و آرامش می‌یابند. در تزئین داخلی یک بنا از تنوع هنرهای سنتی مانند: قالی‌بافی، گلیم‌بافی، سفالگری، آبگینه‌سازی، محصولات فلزی، سنگ‌تراشی، مقرنس کاری، کاربندی، چوب تراشی، حصیربافی، کاشی کاری، آئینه کاری و ... استفاده بیشتری می‌توان نمود. از این نوع می‌توان به کاربرد آئینه کاری در نماسازی داخلی بناها، در بالای آزاره‌ها، زیردورها، طاق‌ها، رواق‌ها، شبستان‌ها، سرسراها و موارد دیگر اشاره کرد.

مقرنس کاری

یکی از عناصر تزئینی معماری که در زیبا ساختن بناهای ایرانی به‌خصوص مساجد و مقبره‌ها نقش مهمی دارد مقرنس کاری است. با مشاهده شکل‌های طبیعی تبدیل‌های یخی و آهکی درون غارها در می‌یابیم که به احتمال زیاد هنرمندان نخستین این فن از همان قندیل‌ها برداشتی هنرمندانه کرده‌اند و عیناً آن را در سطوح داخلی و خارجی بناها با استفاده از آجر گچ و یا سیمان به کار گرفته‌اند. مقرنس‌ها که شباهت زیادی به لانه زنبور دارند، در بناها به شکل طبقاتی که روی هم ساخته شده برای آرایش دادن ساختمان‌ها و یا برای آنکه به تدریج از یک شکل هندسی به شکل هندسی دیگری تبدیل شود، به کار می‌روند. مقرنس‌ها معمولاً در سطوح فرو رفته گوشه‌های زیر سقف ایجاد می‌شود. اما محل قرار گیری این عنصر تزئینی می‌تواند در بالای دیوارها، سقف‌ها، گوشه‌ها، سردرها و ... باشد. مقرنس کاری که تداوم آجر چینی است توازنی را القا می‌کند که گویی وظیفه انتقال سقف یا گنبد بر پایه‌ها را داراست و همانند نسبت آسمان به زمین است.

گچ بری

گچ بری نیز در کنار مقرنس کاری از تزئینات معماری محسوب می‌شود. ایرانیان از دیرباز با عنصری به نام "گچ" آشنایی داشته‌اند پیش از رواج کاشیکاری، گچ تنها عامل زیبایی و تزئین بناها و فضاهای مذهبی بود.

قالی

معماری سنتی ایران در ایجاد صورت‌های مختلف صنایع دستی نیز نقش عمده‌ای را به عهده داشته است؛ به طور مثال بافته، اندازه قالی را براساس وسعت اتاق‌ها می‌بافد و سفال‌گر براساس جایگاه سفال در فضای ساختمان شکل و حجم مورد نظر را می‌سازد. هماهنگی صنایع دستی با معماری نه تنها از نظر فرم و رنگ بلکه از نظر محتوایی نیز هم خوانی دارد و هنرمند سعی نموده، ارتباط خویش با طبیعت و دیدگاه معنوی خویش نسبت به هستی را متجلی سازد. قالی علاوه بر زیرانداز بودن یکی از اجزای مهم در تزئین فضای داخلی بناهای ایرانی است. زیرا کف بنا را که انسان‌ها بر آن می‌نشینند و می‌خوابند، می‌پوشاند و گاه نیز به عنوان تزئینی زیبا بر دیوار کوبیده می‌شود و گاهی نیز از قالی‌های دو طرفه به عنوان سطحی جدا کننده بین دو فضا استفاده می‌شود. نزدیکی طرح و نقش قالی با نقوش کاشی، نزدیکی و انسجام هنرهای ایرانی را بیان می‌دارد.

در و پنجره

تزئین بین فضای داخلی و خارجی شامل درها و پنجره‌هاست. نقوش ایجاد شده بر روی درها هم چون نقوش نمادین، در هنرها جلوه‌گاه تفکر و فرهنگ ایرانی است. نقش "خورشید" که مهم‌ترین نقش موجود بر روی درها است، علامتی برای روشنی، برکت و سلامتی برای صاحبخانه است. پنجره نیز که اشاعه دهنده نور و روشنی به فضای داخلی است اکثراً با چوب، گره چینی می‌شود. گاه با شیشه‌های رنگین، رنگین کمائی از نور را در فضای داخلی ایجاد می‌کند. ۱